

عنوان مقاله:

گفتمان کاوی مولانا و شمس در بیان عاشقانه براساس نظریه هلیدی

محل انتشار:

دوفصلنامه زبان و ادب فارسی، دوره 76، شماره 248 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسندگان:

فاطمه جمالی - استادیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران

گلاره الوندپور - دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران، ایران

نگس محمدی بدر - دانشیار زبان و ادبیات فارسی، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور، ایران

خلاصه مقاله:

چکیده: پژوهش حاضر، گفتمان عاشقانه ای از مولانا و شمس بر اساس دستور نقش گرای هلیدی تحلیل شده است. بررسی متن (گفتار و نوشتار) در تحلیل گفتمان، در حدی فراتر از ساختارهای صوری زبان صورت می گیرد. در کلام و متون عاشقانه با توجه به بیان انتزاعی گوینده، تصاویر ذهنی به گونه ای خاص رمزگذاری شده اند. هدف اصلی در این پژوهش، پی بردن به چگونگی بازنمایی عواطف موجود در این گفتمان عاشقانه، همچنین دستیابی به شباهت ها و تفاوت های احتمالی در بروز بیان احساسات درونی آن هاست. این پژوهش به این سوال پاسخ می دهد که ویژگی های کلام عاشقانه مولانا و شمس چگونه براساس دستور نقش گرای هلیدی مشخص می شود. فرضیه تحقیق این است که دستور نقش گرای هلیدی در تحلیل گفتمان متون عاشقانه کارآمد است. بر همین اساس یک غزل از مولانا و بیان عاشقانه ای از شمس تبریزی به صورت موردی انتخاب شده است تا بتوانیم ابعاد گسترده تری از این بحث را به دست آوریم. یافت متن به شیوه توصیفی-تحلیلی؛ به کمک هر سه فرانش اندیشگانی، بینافردی و متنی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته های پژوهش بیانگر آن است که بسامد بالای فرایند رفتاری در غزل مولانا، نشان دهنده تجربه دیداری او از معشوق و توجه خاص وی به توصیف حالات رفتاری معشوق است. بسامد بالای فرایند وجودی در کلام شمس مفهوم وجود این عشق را آشکار می کند.

کلمات کلیدی:

تحلیل گفتمان، عاشقانه، مولانا، شمس، هلیدی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1923327>

